

مقدمه

فقه، دانش کاشف و مبین شریعت است. یکی از پرسش‌های قدیمی عبارت از این بود که منابع فقه محدود و مسائل مورد ابتلای بشر، نامحدود است. چگونه محدود پاسخگوی مسائل نامحدود است؟ با پیشرفت دانش و طرح مسائل جدید، این پرسش جای خود را به پرسشی دیگر داده است و آن اینکه ظرفیت‌های فقه برای پاسخگویی به مسائل نامحدود و نوپیدا چیست؟ چه نیرویی در فقه نهفته است که توان پاسخگویی به مسائل نوپیدا را دارد؟ مسائل نوپیدایی که در دنیای معاصر یکی پس از دیگری با عرصه گیتی می‌گذارند و فرایند گذار از بساطت و سادگی به پیچیدگی و چندلایه بودن را با سرعتی فراوان می‌پیمایند. در این میان وظیفه مجتهد است که حکم این دست از مسائل را از دید شریعت، کشف و بیان کند، به ویژه آنکه برخی از مسائل نوپیدا به راحتی مصداق عموم و اطلاق ادله کهن نیست. اینجا است که شناسایی ظرفیت‌های پیدا و پنهان فقه موضوعیت پیدا می‌کند و فصلی مهم را در فلسفه فقه رقم می‌زند.

۹۹ با بی‌مهری به میراث گذشتگان و گنج رنج هزاران فقیه نمی‌توان به فقهی پاسخگو دست یافت. نمونه‌ای از این کم‌توجهی به میراث برای پاسخگویی به مسائل نوپیدا را می‌توان در پناه بردن به منبع‌واره‌ها و چشم دوختن به کشف شریعت از هر آبشخوری جست. ۶۶

ویژگی‌های پاسخ کارآمد

پاسخی می‌تواند کارآمد باشد که شرایط زیر را داشته باشد:

۱. مطابق هنجارهای اجتهاد باشد؛
۲. درصد کشف شریعت باشد؛
۳. به نظام‌سازی بینجامد.

در توضیح این سه شرط باید گفت دانش فقه در طول تاریخ کهن خویش در سایه‌سار آموزه‌های وحی و سخنان پیامبران و اوصیاء علیهم‌السلام به چارچوب‌ها و ضرورت‌هایی رسیده است که در مجموع هنجارهای اجتهاد را رقم می‌زند، هرگونه پاسخگویی و تحول باید مطابق هنجارهای ضرور اجتهاد صورت گیرد وگرنه با بی‌مهری به میراث

گذشتگان و گنج رنج هزاران فقیه نمی‌توان به فقهی پاسخگو دست یافت. نمونه‌ای از این کم‌توجهی به میراث برای پاسخگویی به مسائل نوپیدا را می‌توان در پناه بردن به منبع‌واره‌ها و چشم دوختن به کشف شریعت از هر آبشخوری جست. اهل سنت به علت فاصله گرفتن از امامان معصوم علیهم‌السلام و محروم کردن خود از بهره‌مندی از این حضرات و روبه‌رو شدن با فقر سند در اجتهاد و به علت درگیر بودن با مسائل حکومتی و اجرایی و برخورد بی‌دری با حوادث گوناگون و به علت ضعف حاکم بر اصول فقه اهل تسنن از جهت مراجعه به اصول، ناچار شدند در استنباط احکام به اموری مراجعه کنند که در نگاه عموم فقیهان شیعه از منابع و اسناد استنباط نیست؛ بلکه از مقاصد کلی شریعت یا از علت‌ها و حکمت‌های خرد احکام یا استحسان - بنا بر برخی تفسیرهای آن - و امثال آن بوده که بر آن لباس دلیل پوشانده شده و سند استنباط قرار گرفته است. حضور مصادری مانند استصلاح، قیاس و استحسان در اجتهاد بسیاری از مذهب‌های اهل سنت، ریشه در همین واقعیت دارد.

این در حالی است که آنچه به‌عنوان سند و مصدر کشف قانون مطرح می‌شود باید ادله کافی برای احراز کارایی استقلال در کشف شریعت داشته باشد و نبود سند معتبر برای اعتبار منبعی، در نفی اعتبار آن کافی است. حصر منابع استنباط در قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع، اندیشه صحیح و مشهور شیعه است.

ویژگی پایانی پاسخ کارآمد عبارت از این بود که به نظام‌سازی بینجامد. بیان مطلب اینکه در مسئله «گستره شریعت» در مجموع، چهار اندیشه وجود دارد: اندیشه شمول، انعزال، ابهام و اعتدال. اندیشه نخست بر این است که هر حرکت و سکونی در شریعت جهانی و جاودان - شریعت اسلام - حکم است. نقطه برابر این نظریه، گرایش به انعزال و بی‌طرفی مطلق قانون‌گذار اسلام درباره شئون دنیایی انسان‌ها است. اندیشه ابهام بر این است که اصولی کلان و عام به‌وسیله شارع بیان شده است بدون اینکه دخالتی از وی در امور خرد و ساختارها صورت گرفته باشد. در این میان، اندیشه‌ای که راهی میانه را می‌پیماید و به وجود حکم در هر واقعه باور ندارد اما اندیشه انعزال و ابهام را نیز غیرکافی و ناموفق می‌بیند، اندیشه

اعتدال است. در دیدگاه اعتدال، وجود منطقه‌ای فارغ از جعل مورد تردید قرار گرفته و تقسیم احکام به عقلی و شرعی رد و بر تقسیم احکام شرعی به عقلی و نقلی پافشاری شده است. نگاه به فقه را به دو صورت می‌توان پایه‌ریزی کرد:

۱. **فقه کشف:** در این اندیشه مجتهد به دنبال کشف شریعت است و هرگونه دشواری را بر خود هموار می‌کند تا بتواند به شریعت برسد، نمونه‌ای از این کوشش را می‌توان در روش اجتهادی تراکم ظنون و اطمینان دریافت. در این روش هر گاه مجتهد با سندی یقین‌آور یا در حکم یقین، روبه‌رو نباشد بلکه با دسته‌ای از ظنون روبه‌رو باشد، از پای نمی‌نشیند و به‌منظور کشف شریعت، به کنار هم گذاشتن ظنون مشغول می‌شود به آن امید که در نظام حلقوی یا هرمی از این ظنون به قانون خداوند متعال اطمینان حاصل کند؛ زیرا وی خود را موظف به کشف شریعت می‌داند.

۲. **فقه عذر:** در این اندیشه، مجتهد در پی کشف وظیفه‌ای است که در صورت عمل به آن از عقاب خداوند متعال در امان بوده و سخنی مورد پذیرش وی داشته باشد. در این روش اگر به‌طور یقینی یا گمان خاص یا اطمینانی به حکم شارع رسید آن را مورد تمسک قرار می‌دهد وگرنه برای به دست آوردن اطمینان خود را به آب و آتش نمی‌زند و نمی‌کوشد که از تراکم ظنون به اطمینان برسد؛ زیرا به پدیداری عدد (اطمینان) از کنار هم آمدن صفرها (ظنون)، باوری ندارد.

اگر فقه بخواهد به رسالت خود عمل کند و با پاسخگویی به مسائل نوپیدا، پویایی و ظرفیت خود را نشان دهد، راه فقه کشف را باید پیش بگیرد نه راه فقه عذر.

ظرفیت‌ها

با توجه به ویژگی‌های پاسخ کارآمد و فنی و دیدگاه‌هایی که ذیل آن بیان شد، به رصد برخی از ظرفیت‌های فقه می‌پردازیم که با توجه و تمرکز بر آن‌ها، می‌توان به مسائل دنیای معاصر و فراتراز آن پاسخ داد.